

ماتریدیه در یک نگاه

○ ویلفرد مادلونگ
○ ترجمه محمد کاظم رحمتی

اشاره: مکتب کلامی ماتریدیه، در حال حاضر یکی از دو دستگاه کلامی اهل سنت است. متأسفانه هم در تحقیقات غربیان و هم اسلام شناسان مسلمان توجه اندکی به این فرقه شده است، به گونه‌ای که تنها متن فارسی موجود درباره این فرقه نوشتار کوتاه، اما عالمانه ایوب علی در تاریخ فلسفه اسلامی تدوین میان محمد شریف است. متن کوتاه ذیل که از دائرة المعارف اسلام EII۲ (ج ۶ ص ۸۴۶-۸۷۸) به فارسی برگردانده شده است، اطلاعات کوتاه ولی مجملی از این نحله کلامی و افراد شاخص آن در اختیار قرار می‌دهد. شایان ذکر است که دانشمند محترم، ویلفرد مادلونگ در مقاله عالمانه دیگری به نام ترکها و اشاعه ماتریدیه که در کتاب فرقه‌ها و مکتب‌های اسلامی در سده‌های میانه به چاپ رسیده است، به نحو تفصیلی گسترش این مکتب کلامی و نزاع آن با اشاعره را کاویده است.

مترجم.

۹۴۷/هـ ۳۳۶م و ۹۴۳/هـ ۳۳۲م. مرقد ماتریدی در قبرستان جاکردیزه سمرقند تا قرن نهم هجری/یازدهم میلادی شناخته شده بوده است. از میان شاگردان وی، ابوالاحمد عیاضی، فرزند استادش ابونصر، ابوالحسن رستغنی و عبدالکریم بن موسی بزدوی (بزدوی) جد اعلی ابوالیسر بزدوی قابل ذکر هستند.

از آثار چاپ شده ماتریدی کتاب التوحید (تصحیح فتح الله خلیف، بیروت ۱۹۷۰م) اثر کاملاً موثقی است. با این حال کتاب التوحید به نظر می‌رسد، به روایت‌های دیگری نیز وجود داشته است، زیرا برخی منقولات از آن در تبصرة الادله ابومعین نسفی در متن تصحیح شده، موجود نیست (رک:)

D.Gimaret, Theories de l'Acte humain en theologie musulmane, Paris ۱۹۸۰, pp:۱۷۵-۸)

تفسیر مفصل قرآن ماتریدی به نام تاویلات القرآن (جلد اول تصحیح ابراهیم عوضین و السید عوضین، قاهره ۱۳۹۱/هـ ۱۹۷۱م) بر اساس گفته شارح آن علاء الدین ابوبکر محمد بن احمد سمرقندی (متوفی حدود ۵۴۰ هـ / ۱۱۴۵م) توسط شاگردان وی گردآوری شده و بنابراین وثاقت کمتری از دیگر کتب نگاهشده شده توسط ماتریدی دارد. همچنین از ماتریدی سه رساله کوتاه منتشر شده به نام‌های الرسالة فی العقیده، کتاب التوحید (هر دو را Y.Z.Yorukan در

Islam akaidine dair eski metinier ، استانبول ۱۹۵۳م منتشر کرده است) و شرحی بر الفقه الاکبر ابوحنیفه به وی نسبت داده شده است. این نوشته‌ها به نظر می‌رسد، توسط افراد ماتریدی متأخر و بر اساس عقیده ماتریدی تالیف شده‌اند. ابومعین نسفی این کتابها را در

ماتریدی، ابومصور محمد بن محمد بن محمود سمرقندی حنفی، متکلم، فقیه و مفسر قرآن، مؤسس مکتب کلامی ای که بعدها به عنوان دومین نحله کلامی اهل سنت مورد قبول قرار گرفت (رک: ماتریدیه) نسب وی اشاره به خاستگاه وی از ماترید یا ماتریت، منطقه‌ای در سمرقند دارد. بر اساس بدفهمی اشاره سمعانی (الانساب، برگ ۴۶۸) به دامادش، برخی منابع متأخره او را فردی مدنی نسب دانسته و او را انصاری خوانده‌اند. مهمترین استاد ماتریدی ابونصر احمد بن عباس عیاضی بین ۸۲۶/هـ ۷۲۴م و ۸۹۲/هـ ۷۲۹م که احتمالاً تاریخ دومی درست‌تر است، به قتل رسیده است. بر این اساس ماتریدی می‌بایست قبل از ۸۷۳/هـ ۷۲۶م متولد شده باشد. خاصه آنکه ماتریدی به عنوان فرد کاملاً محترم و صاحب شان و جاه در نزد استادش توصیف شده که بدون وی حاضر به شرکت در مناظره نبوده است. بر طبق نوشته برخی نویسندگان متأخر، ماتریدی همچنین نزد استاد عیاضی، ابوسلیمان جوزجانی، نصیر بن یحیی بلخی (م ۸۸۱ - ۸۲ / هـ ۲۶۸م) و محمد بن مقاتل رازی (متوفی ۸۴۱/هـ ۲۲۶م) تلمذ کرده است. فرد اخیر و نیز دو فرد دیگر به نظر می‌رسد، استاد ماتریدی نبوده و خبر به احتمال قوی درست نباشد. چیز دیگری درباره زندگی وی دانسته نیست.

ماتریدی به عنوان فرد برجسته و دارای زندگی زاهدانه و صاحب کرامات توصیف شده است. تاریخ وفات ۳۳۳/هـ ۹۴۴م که منابع متأخر برای او ذکر کرده‌اند، تقریباً درست است، گرچه شرح حال نگار مقدم ابومعین نسفی (متوفی ۱۱۱۴/هـ ۵۰۸م) تاریخ فوت وی را نمی‌دانسته است. تواریخ بدیل دیگر که در دو منبع متأخر ذکر شده‌اند، عبارتند از سال

قائم به ذات هستند. بنابراین او اصرار دارد؛ عبارتهایی چون خدا قدیمی خالق هست و خدا از ازل خالق بوده است (لم یزل خالقاً) به نحو یکسانی معتبر بدانند. گرچه خلق عالم حادث است. به ویژه عقیده‌اش این که تکوین (پدید آوردن وجود) ازلی است و مجزا از مکنون (اشیاء موجود) است. مسأله مشهور جدلی با اشاعره گردید. ماتریدیه بر مسأله رویت باری توسط مومنان در جهان واپسین تأکید می‌کند اما به نحو معقولی امکان ادراک را رد می‌کند که وی آن را به عنوان احاطه چشم بر باری تلقی کرده است. او کلام را صفت ازلی خدا می‌داند که شنیده نمی‌شود. ماتریدی همانند با معتزله، دربارهٔ آیهٔ ۱۶۵ سورهٔ نساء (و کلم الله موسی تکلیماً) تأکید دارد که خدا صدایی را خلق نمود و موسی آن را شنید.

در مورد جبر و اختیار آدمی، موضع ماتریدی، مابین معتزله و اشعری است. او تأکید دارد که افعال آدمی مخلوق خدا هستند، مسخر مشیت و ارادهٔ وی هستند. در حالی که افعال آدمی، افعال خدا هستند، از یک سو و از سوی دیگر واقعاً و نه تاویلی افعال آدمی محصول انتخاب آزاد (اختیار) او هستند. ماتریدی اصرار دارد که خدا تنها کسانی را گمراه می‌کند که می‌داند راه خطا را بر خواهند گزید و کسانی را هدایت می‌کند که می‌داند، تنها راه درست را انتخاب خواهند کرد. انتخاب اولیه از آن آدمی است نه خدا، آن گونه که اشعری می‌گوید. ماتریدی همچنین تفسیر جبری آیهٔ میثاق (سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۳۷) را که بر طبق آن خدا برگزیدگان را از میان مطروکان قبل از خلق و اقرار پیشین به ربوبیت وی که به اجبار و دروغ بیان کرده‌اند، رد می‌کند. قدرت آدمی با وجودی که اعطا شده از سوی خداست، او را قادر بر انجام اعمال نادرست می‌کند. استطاعت بر دو قسم است؛ قبل از فعل و هم زمان با آن. اینکه خداوند چیزی مافوق توان آدمی (تکلیف ما لا یطاق) بر وی تحمیل کند، اصلی غیر قابل قبول است.

ایمان را ماتریدی اساساً تصدیق بالقلب دانسته و اعمال را جزئی از ایمان نمی‌داند. ایمان در اصل نه زیاد و نه کم می‌گردد، با وجودی که از طریق شهادت مجدد و توبه فزونی می‌یابد. ماتریدی نظریهٔ استثناء در باب ایمان که بیان می‌دارد، من مومن هستم اگر خدا بخواهد را با این گفته که من مومن هستم، رد می‌کند. مومنان گنهگار (فاسق) را خدا مجازات خواهد نمود، اما سرانجام به بهشت در خواهند آمد (نظریهٔ خلود در جهنم را قبول نداشته است). ماتریدی اصل اهل حدیث را دربارهٔ عدم مخلوق بودن ایمان که به اشعری باز می‌گردد رد کرده است.

کتابشناسی: بزدوی، اصول الدین، تحقیق H.P.Linss (قاهره، ۱۳۸۳/۱۹۶۳م) نمایه ذیل ماتریدی؛ ابومعین النسفی، تبصرة الادله، منقول در محمد بن طاوایط الطنجی، ابومنصور الماتریدی، IFD، شماره ۱-۲، سال چهارم، ص ۱-۱۲؛ ابن ابی الوفاء، الجواهر المضمیة (حیدرآباد، ۱۳۳۲/۱۹۱۴م) ج ۲ ص ۱۳۱-۱۳۰؛ بیاضی، اشارات المرام،

فهرست آثار ماتریدی یاد نکرده است. از سوی دیگر ابومعین آثار ذیل که ظاهراً مفقود شده‌اند، را ذکر کرده است: کتاب المقالات، کتاب بیان و هم المعتزله، ردیه‌هایی بر سه کتاب از عالم معتزلی ابوالقاسم بلخی کعبی (م ۳۱۹/۹۳۳م)، یعنی کتاب اوائل الادله، کتاب تهذیب الجدل و کتاب فی وعید الفساق، ردیه‌ای بر الاصول الخمسه نوشتهٔ عالم معتزلی ابوعمر و باهلی، یار نزدیک ابوعلی جبایی، ردیه‌ای بر کتاب الامامه نوشتهٔ مؤلفی امامی مذهب (احتمالاً ابن قبه، مترجم)، دو ردیه بر اسماعیلیه (قرامطه) و دو کتاب در روش‌شناسی فقه (اصول فقه)؛ کتاب ماخذ الشریعه و کتاب الجدل.

برخلاف اشعری، مؤسس دیگر نحلهٔ کلامی اهل سنت که عقاید حنابله اهل حدیث را بیان کرده است، ماتریدی پیرو عقیدهٔ ابوحنیفه بوده، آن گونه که توسط فقهاء حنفی به بلخ و ماوراء النهر منتقل شده و بسط یافته بود. وی تعالیم عالمان پیشین حنفی را به نحو مدونی در ازایهٔ استدلال بر ضد نظرات معتزله، خاصه مهمترین نمایندهٔ آن در شرق ابوالقاسم بلخی، کرامیه، سنیان ظاهرگرا (حشویه)، شیعیان امامی و اسماعیلیه که در ماوراءالنهر توسط محمد بن احمد نسفی (متوفی ۳۳۲/۹۴۳م) عرضه گشته بود، بسط داد. در مورد ادیان دیگر، او نظرات مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان، مانویان، دیسانیه و مرقونیه را رد کرده است (ر.ک):

G. Vajde, Le temoigne d'al-Maturidi sur la doctrine des Manicheens des Daysanites et des Marcionites, in Arabica, xii (۱۹۶۶) ۱-۳۸, ۱۱۳-۲۸.

عقیدهٔ ماتریدی در اساس عموماً عقل‌گرا تر، به جز تعریف مرجئی ایمان و نزدیک‌تر به معتزله تا اشعری است. ماتریدی در مفاهیم و واژگان تخصصی کمتر متأثر از معتزله است تا اشعری که پیش از جدانشدن از آنها در آن نظام تربیت شده بود.

در توافق اساسی با موضع معتزله، ماتریدی این نظر را که آدمی توانا و ملزم به تحصیل شناخت خداست و شکر منعم به واسطهٔ عقل، مستقل از وی است، می‌پذیرد. در مورد صفات خدا او همچون معتزله تفسیرها و تاویلاتی از عبارتهایی تشبیهی را پذیرفته و در تفسیر قرآن به کار می‌گیرد. با این حال او در برخی موارد خاصه با تاویلهای معتزلی مخالفت می‌کند. در موارد دیگر او بر قاعدهٔ بلا کیف اهل حدیث بر عدم سؤال و پذیرش متن وحیانی تکیه کرده و اصرار می‌ورزد. برخلاف معتزله، او صفات الهی چون علم و قدرت را به عنوان ویژگی واقعی و قائم به ذات باری می‌پذیرد. گرچه تفاوت واژگانی میان صفات ذات و صفات فعل را می‌پذیرد، برخلاف معتزله استدلال می‌کند که صفات فعل نیز قدیم و

تعالیم ماتریدی در غرب خراسان ناشناخته بود، جایی که حنفیان پیرو دیگر مکاتب کلامی بودند و بسیاری از آنها معتزلی بودند. تنها با گسترش حکومت سلجوقیان به مرکز جهان اسلام از میانه قرن پنجم هجری/یازدهم میلادی به بعد، تغییرات جدی رخ داد. مؤلفان اشعری به عقاید ماتریدی در مورد صفات خدا توجه نشان می‌دادند و معمولاً از ماتریدیه به عنوان بدعتی که تنها بعد از سال ۴۰۰/۱۰۰۹م رایج گشته بود، یاد کرده‌اند. حمایت نظامی ترکان از حنفیان شرقی و عقاید کلامی آنها به برخورد عمده‌ای با شافعیان انجامید که اکنون به عنوان پیروان کلام اشعری شناخته می‌شدند.

این مقدمه‌ای برای لمن رسمی اشاعره در منابع خراسان گردید که طغرل بیگ سلجوقی در ۴۴۵/۱۰۵۳م بدان دستور داده بود. آزار اشعریان و ستیز فرقه‌ای گسترده‌ای بین حنفیان و شافعیان در شهرهای مهم ایران در اواخر دوره سلجوقی وجود داشت. آثار ماتریدیان این دوره انتقادات بسیار تندی را نسبت به اشاعره داشته‌اند و اشاعره را خارج از اهل سنت و جماعت معرفی کرده‌اند و برخی از عقاید اشعری را کفر دانسته‌اند. در نتیجه گسترش ترکان، آیین حنفیان شرقی و عقاید کلامی ماتریدی در سرتاسر ایران غربی، عراق، آناتولی، سوریه و مصر اشاعره یافت.

از قرن پنجم هجری/یازدهم میلادی تا قرن هفتم هجری/چهاردهم میلادی، شمار زیادی از فقهاء حنفی ماوراءالنهر و دیگر نواحی شرقی به این مناطق مهاجرت کردند و به تدریس در آن نواحی پرداختند. آیین ماتریدی بدین ترتیب به آرامی در میان گروه‌های حنفی دیگر مناطق حاکم گردید. در دمشق و سوریه نخست آیین ماتریدی را برهان الدین علی بن حسن سیکلندی بخاری (متوفی ۵۴۸/۱۱۵۴م) ترویج نمود. فقهاء حنفی سمرقند برای او نسخه‌ای از عقاید ابوحفص نسفی فرستادند؛ با این توضیحات که آن کتاب توصیف کننده عقاید اهل سنت و جماعت است و با آن عقاید موافقت دارند.

با کاسته شدن از شدت خصومت بین حنفیان و شافعیان در دوره ممالیک، فقیه اشعری تاج الدین سبکی (متوفی ۷۷۱/۱۳۷۰م) قصیده نونیه را درباره مسائل مورد اختلاف بین اشعری و ابوحنیفه، یعنی ماتریدیان سرود. او سیزده اختلاف را برشمرد که هفت مورد از آنها را تنها لفظی و شش اختلاف را معنوی و محتوایی معرفی کرده است. اختلافات معنوی نیز از نظر او به قدری جزئی هستند که نمی‌توانند از سوی دو طرف به عنوان اتهام کفر و ارتداد مورد اشاره قرار گیرند. شاگرد سبکی، نور الدین محمد بن ابی الطیب الشیرازی شرحی بر قصیده نونیه نگاشته است. این شرح همراه با سیزده موردی که سبکی از اختلافات بین این دو نحله برشمرده بود، به تمامی توسط ابوغذبه که در حدود سال ۱۱۲۵/۷۱۳م به تالیف مشغول بوده در اثر مشهورش کتاب البروضة البهیه فی ما بین الاشعری و الماتریدی درج شده است (فشرده‌ای از سیزده اختلاف را A.S. Triton در اثرش **Muslim Theology**

تحقیق یوسف عبدالرزاق (قاهره، ۱۳۶۸/۱۹۴۹م) ص ۲۳؛ زبیدی، اتحاف السادة المتقین، (قاهره بی تا) ج ۲ ص ۵؛ لکنوی، الفوائد البهیه (قاهره، ۱۹۲۴م) ص ۹۵؛

M. Allard, Le probleme des attribus divins la doctrine d'al-Asari, Beirut ۱۹۶۵, ۴۱۹-۲۷۴; M. Gotz, Maturidi und sein Kitab Tawiliat al-Quran in ISI, xli (۱۹۶۵) ۲۷-۷۰; H. Dabiber, Zur Erstagabevon al-Maturidi, Kitab al-Tawhid, in ISI, Lii (۱۹۷۵) ۲۹۹-۳۱۳; Sezgin, GAS, ۶۰۴-۶.

متون مرتبط دیگر در ذیل مدخل الماتریدیه ذکر شده است. ماتریدیه: مکتب کلامی‌ای که پس از بنیانگذارش، ابومنصور ماتریدی (بنگرید به مدخل ابومنصور ماتریدی) به این نام نامیده شد و در عصر ممالیک به نحو گسترده‌ای به عنوان دومین مکتب کلامی اهل سنت در کنار کلام اشعری رسمیت یافت. بنظر نمی‌رسد، نام ماتریدیه تا قبل از تفتازانی (متوفی ۷۹۲/۱۳۹۰م) که وی آن را ظاهراً برای مشخص نمودن نقش ماتریدی به عنوان مؤسس کلامی سنی همراه با معاصرش، اشعری به کار برده، رواج داشته است. از نظر متأخران، پیدایش این نام و این که نحله کلامی را ماتریدی بنیان نهاده، مورد تردید قرار گرفته است. در زمان‌های کهن‌تر، از نحله کلامی اغلب به عنوان مکتب علماء سمرقند و ماوراءالنهر یاد شده است. ادعا این بوده که نحله مبتنی بر عقیده ابوحنیفه است و خود را با عنوان اهل سنت و جماعت، سواد اعظم معرفی نموده‌اند. سیطره تفکر ماتریدی بر اشخاص متأخر نحله کاملاً مشخص است و متأخران نیز به نحو قابل توجهی نسبت به عقایدش پابرجا بودند، برخلاف اشاعره متأخر که از عقاید اشعری دور گشته بودند. اشعری بلافاصله به عنوان مؤسس مکتب کلامی جدید شناخته گردید، هم به این دلیل که در آغاز معتزلی بود و دیگر آنکه مکتب وی را محدثان حنبلی که اشعری ادعای دفاع از آنها را داشت، رد کرده بودند. در حالی که ماتریدی به عنوان چهره‌ای شناخته شده است که نماینده آیین حنفی سنتی ماوراءالنهر تدوین گر کلامی آن بوده است.

عقیده کلامی مکاتب حنفی سمرقند در قرن چهارم هجری/دهم میلادی و پنجم هجری/یازدهم میلادی در سرتاسر ماوراءالنهر، خراسان شرقی، بلخ و در میان ترکان تازه به اسلام گرویده در قلمرو قراخانیان در آسیای مرکزی گسترش یافت. در قرن چهارم هجری/دهم میلادی تفاوت‌های چندی در مسائل کلامی بین فقهای بخارا که تحت تاثیر محدثان و مواضع ضد عقلی بودند با ماتریدیان وجود داشت. این اختلافات تا حد زیادی توسط فقهاء ماتریدی بعدی با ارایه راه حل‌های بینابین تعدیل شده است.

بر خلاف معتزلیان و اشاعره، کلام ماتریدی تنها مبتنی بر مکتب فقهی ابوحنیفه است. همچنین این نحله تحت شعاع دو نحله کلامی در روش‌های پیچیده و نظام بندی قرار گرفته است به خصوص در مسائل علم طبیعی که آن دو مکتب مورد بحث قرار داده بودند و کمتر تحت نفوذ مفاهیم و اصطلاحات فلسفی که بعدها بر اشاعره و به خصوص شیعیان امامی - معتزلی تاثیر نهاد، قرار داشت. در حالی که ستیز ذاتی ماتریدیان با معتزله ظاهراً بیشتر بوده، اختلافات با اشاعره اساسی‌تر از آن بود که متکلمان بعدی برای تعدیل اختلافات تلاش کرده‌اند. این مسائل عمدتاً شامل عقیده مورد تاکید ماتریدی بر قدم صفات فعل قائم به ذات باری، اساس‌های عقلانی برای خیر و شر، واقعیت اختیار آدمی در اعمال و تعریف مرجئی ایمان یعنی بیان و اقرار سواى اعمال بوده است. بهر حال مسائل اختلافی دیگر اهمیت کمتری داشته و تنها گاهی موجب ستیز بین دو نحله گردیده است.

کتابشناسی

به علاوه منابع ذکر شده در مدخل ماتریدی بنگرید به:

- L. Gardet, De quelques questions posees par l'etude du Ilm al-kalam in SI, xxxlii (۱۹۷۰) ۲۵-۹; W. Madelung, The spread of Maturidism and the Turks, in Actas do IV congress de Estudos Arabes e Islamicos Coimbra- Lisboa ۱۹۶۸ (Lieden ۱۹۷۱) ۱۰۹-۶۸; W. M. Watt, The formative period of Islamic thought (Edinburgh ۱۹۷۳) ۳۱۲-۱۶; idem, The problem of al-Maturidi, in Melanges d'Islamologie. Volme dedie a... Armand Abel, Leiden ۱۹۷۴, ۲۶۴-۹; idem, The beginnings of the Islamic theological schools, in Islam et Occident au Moyen Age: l'enseignement en Islam et en Occident au Moyen Age (Paris ۱۹۷۶) ۱۹-۲۰; D. Gimaret, Theories de l'Acte humain en theologie musulmane (Paris ۱۹۸۰) ۱۷۱-۲۳۴; J.M. Pessagno, The uses of evil in Maturidian thought, in SI, ix (۱۹۸۴), ۵۹-۸۲.

لندن ۱۹۴۷م، ص ۶-۱۷۴ آورده است).

مهمترین نمایندگان نحله ماتریدی در اواخر قرن پنجم - یازدهم هجری، ابوشکور سالمی کشی مؤلف کتابی با عنوان التمهید فی بیان التوحید، ابوالیسر بزودی (م ۱۰۹۹/۵۵۹۳م)، قاضی سمرقند و مؤلف کتاب اصول الدین هستند. موثرترین فرد در بیان و آرایه عقاید ماتریدی ابومعین نسفی مکحولی (متوفی ۵۰۸/۱۱۱۴م) است که مفصلترین اثر را در کلام ماتریدی با عنوان تبصرة الادله، اثری مختصرتر با عنوان بحر الکلام و التمهید لقواعد التوحید تالیف نموده است.

مهمترین فرد در اشاعه و گسترش عقیده ماتریدی نجم الدین ابوحفص نسفی (متوفی ۵۳۷/۱۱۴۲م) است که وی نیز دنباله‌روی سخنان و گفته‌های ابومعین در کتاب تبصرة الادله است. شروح و حواشی فراوانی برای تدریس بر کتاب عقاید نسفی نگاشته شده و این کتاب به شعر نیز در آمده است. اعتقاد نامه مقبول ماتریدی دیگر، به صورت منظوم با عنوان الالامیه فی التوحید یا بدع الامالی را علی بن عثمان الاوشی (متوفی ۵۶۹/۱۱۷۳م) سروده است. بعدها شروح متعددی بر این اثر به ترکی و فارسی نگاشته شده است. همچنین در قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی نورالدین صابونی بخاری (متوفی ۵۸۰/۱۱۸۴م) کتاب البدایه من الهدایه را برگرفته از اثر مفصل ترش با عنوان الکفایه فی الهدایه تدوین نمود.

در میان مؤلفان ماتریدی بعدی رساله کوتاه ابوالبرکات نسفی (متوفی ۷۱۰/۱۳۱۰م) عمده العقائد لاهل السنه همراه با شرحی که خود بر آن با عنوان الاعتماد فی الاعتقاد نگاشته، رواج عام یافت. این دو اثر به نحو بارزی متأثر از تبصرة الادله ابومعین نسفی هستند. متکلمی که شرح حال اندکی از وی موجود است، یعنی عبیدالله بن محمود محبوبی (متوفی ۷۴۷/۱۳۴۶م) در دو اثر، تائید العلوم و توضیح - اثری در اصول فقه - به مسائل کلامی نیز پرداخته است. سعدالدین تفتازانی (متوفی ۷۹۲/۱۳۱۰م) شرح معروفی بر عقاید ابوحفص نسفی نگاشت. وی شاگرد عضدالدین ایجی، نماینده کلام فلسفی متأخر اشاعره بود و ظاهراً تا حدی به مواضع اشعری بازگشته است. این در اثرش، المقاصد و شرح نگاشته وی بر آن مشخص است. نگارش این اثر بعد از نگارش کتاب المواقف ایجی و شرحی که شریف جرجانی بر آن نگاشته بود، صورت گرفته است. متکلم حنفی مصری کمال الدین ابن همام (متوفی ۸۶۱/۱۴۵۷م) مؤلف اثری با عنوان المسایره فی العقاید المنجیه فی التوحید به نحو نامی نظریه غالب جدید یعنی برابری کلام اشعری یا ماتریدی را پذیرفت. گرچه تا حدی در برخی مسائل نظرات متمایزی از ماتریدیان اظهار داشته است. در مقابل، فقیه حنفی عثمانی کمال الدین بیاضی (متوفی ۱۰۷۸/۱۶۸۷م) در اثر، اشارات المرام من عبارات الامام بر تمایز و برتری کلام ماتریدی که بر اساس تعالیم ابوحنیفه پی ریخته شده بود، در قیاس با اشعری‌گری تاکید نمود.